

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۰ سپتمبر ۲۰۲۱

تبدیل یک رویا به کابوس!



پنجشنبه - ۱۸ سنبله ۱۴۰۰ - کابل: وقتی متعلم مکتب بودیم و در صنف دهم تاریخ فتوحات اسلام را می خواندیم در آنجا استاد ما آقای "نعیم خان" متخلص به "نسیمی" ضمن تشریحات مفصل شان می گفتند: «زمانی که اعراب بادیه نشین که از نوشیدنی ها شیر شتر و از دارو ها شاش شتر را از نعمات بزرگ خدا می دانستند، وارد منطقه کوهستانی دماوند شدند و آبشار های کف آلود را دیدند، بر مبنای اعتقادات شان، به یک باره صدا زدند، "هذا الجنة" یعنی "همین جا جنت است" زیرا آبهای کف آلود را شیر گمان نموده بودند». نقل به معنا با تکیه بر حافظه.

همه می دانیم زمانی که امپریالیسم و ارتجاع به وسیله ISI لشکر طالب را بسیج، سازماندهی و تسلیح می نمود، یکی از محرکات آنها این بود که اگر کشته شوند، هفتاد حور بهشتی در جنت منتظر شان است و اگر هم پیروز شوند، حوران بهشتی این دنیا در وجود دختران و زنان افغانستان به خصوص کابل در انتظار شان است، تا جوقه جوقه برای آنها خدمات جنسی را تقدیم بدارند. آنها هم به امید در بر گرفتن ماهرویان کابلی سر از پای نشناخته، خود را به کابل رسانیدند و حاکمیت را از برادر با جان برابر شان "غنی احمدزی" تحویل گرفتند، منتها رویائی را که از هم آغوشی و

کام دل گرفتن از دختران و زنان کابلی در ذهن شان پرورده بودند، به کابوسی دهشتناکی تبدیل شد، که نه خود در انتظار آن بودند و نه هم رهبران و سازماندندگان شان می توانستند و یا می توانند عواقب آن را حدس بزنند.

دلیل تبدیل این رویا به کابوس و بیرون شدن از توهم، تغییراتی است که ظرف دو دهه اخیر در جامعه افغانستان در کل و باشندگان شهرهای بزرگ به صورت خاص در اثر فضای به میراث مانده از نظام قیل برای طالب به وجود آمده است. طالب که امروز به قدرت رسیده، از آنجائی که در جریان این مدت ذهنیت خودش سنگ شده باقی مانده و هنوز هم دنیا و جهان را با عینک اوایل قرن هفتم نظاره می کند و از طرف دیگر وضعیتی را که در اواخر قرن بیستم حاکمیت جهادی ها برای شان به ارث گذاشت با وضعیت امروز مقایسه نمی توانند از همین رو نمی توانند ماهیت تقابل زنان افغانستان را با خود شان نیز درست درک نمایند.

آنها تا هنوز دریافته اند که وقتی بار اول به قدرت رسیدند فضائی را که جهادی ها به دستور و سازماندهی امپریالیسم و ارتجاع منطقه و ایادی بومی آن ها، به وجود آورده بودند فضائی بود که سقف توقعات مجموع ملت در شهر ها و روستا، فقط اذعان به حق حیات بود. یا به عبارت دیگر به همان سان که آقای "موسوی" در مورد خود طالب گفته بود، جهادی ها مردم افغانستان را "سگ پرست" ساخته بود. مردم را به جائی رسانیده بودند که می گفتند: "سگ بیاید، مقصد گلبدین و ربانی مسعود برود" در چنان فضائی که تمام سقف توقعات به حق حیات محدود شده بود، مسلم بود که نه کسی از حقوق زنان سخنی به میان می آورد و نه هم از آزادیهای دموکراتیک و یا شرکت در حاکمیت. از همین رو مردم زندگی در زیر تازیانه طالب را بهتر از مرگ خودشان و اعضای خانواده های شان دانسته، تمام مظالم طالب و طالبیسم را تحمل می نمودند.

شرایطی که امروز طالب قدرت را به دست گرفته، دیگر سقف توقعات آن، به حق حیات و در خانه ها خسپیدن محدود نمی گردد، مردم در کل و زنان به صورت خاص در طی زمان در حدی از تکامل ذهنی رسیده اند که بدانند دیگر برده جنسی هیچ مردی به ویژه طالب و طالبیسم نیستند، جسم آنها متعلق به خودشان است و کسی نمی تواند با استناد به این و یا آن آیت و یا حدیث، مالکیت جسم آنها را از ایشان سلب نماید، آنها نه تنها مالک جسم خودشان می باشند، بلکه به مثابه نصف نفوس کشور، دارای حق و حقوقی می باشند که کسی حق ندارد این حق و حقوق را با استناد به گفته های انسانی که ۱۴ قبل زندگی می کرد و خودش بعد از مرگ همسر اولش عقده مندا نه به زن ستیزی آغاز نمود، از آنها بستاند و یا مانع کار و فعالیت های اقتصادی آنها گردد.

هموطنان گرانی!

تمام این تغییرات نه تنها رویای سلطه بر زنان را نزد طالب و طالب بچه ها به کابوس مبدل ساخته است بلکه برای رهبران طالب نیز زنگ خطری را به صدا در آورده است که اگر فضاء همین طور ادامه یابد در نهایت طالب و طالب بچه ها نیز مقابل رهبران شان خواهند ایستاد. از همین رو می شود گفت، اوضاع کنونی در کشور هرچه بیشتر حساس شده می رود، یعنی در عین حالی که جنبش های آزادیخواهانه و حق طالبانه به خصوص حرکت زنان به طرف ارتقاء در حرکت است، رهبری طالب نیز متوجه حساسیت اوضاع شده، می کوشد تا با بیشتر ساختن فشار و محدود ساختن سقف توقعات، صفوف فریب خورده اش را که به جای رویای سلطه بر زنان و دختران افغان، با شیرزنانی رو به رو شده که آقائی ایدئولوژیک و تاریخی اش را به نبرده فرا خوانده، به مانند عکس بالا سینه اش را در مقابل گلوله طالب سپر می سازد، در همان توهم نگه دارد.

هموطنان گرانی!

به یاوه سرائی ها و صحبت های به اصطلاح "دلسوزانه" مشتی طالب پوششی و یا نوکران بالقوه طالب که اکنون در رسانه ها به دستور طالب حاضر شده، ما را به خود سانسوری دعوت می نمایند، نباید گوش فرا دهیم، عکس آن تا قبل از آن که امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه قادر شوند، این از "گور برخاستگان تاریخ" را بر ما مسلط سازند، نه تنها نباید عقب نشینی کنیم بلکه می باید قدم به قدم به خواسته های مان افزوده، سقف توقعات مان را تا جایی ارتقاء دهیم که طالب و بادرانش مجبور شوند هویت انسانی ما را به رسمیت بشناسند و نه تنها بیش از این ما را در جمع دواب و چارپایان به شمار نیاورند، بلکه با به رسمیت شناختن تمام حقوق و آزادیهای دموکراتیک ما، بستر نابودی خودشان را پهن نمایند.

مبارزه علیه امپریالیسم، جز لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!